

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

قاعده تجاوز در وضو جریان ندارد

بعد از اینکه روشن شد قاعده تجاوز مانند قاعده فراغ عمومیت دارد و اختصاص به باب صلاة ندارد یک بحثی که در کلمات فقهاء مطرح شده، این است که آیا قاعده تجاوز در طهارات ثلاث وضو، غسل و تیمم جریان دارد یا خیر؟ مثلاً در وضوء اگر در حین شستن دست راست هستیم شک کردیم که آیا صورت را شستیم یا نه. آیا می‌توانیم بگوییم اینجا قاعده تجاوز جریان دارد؟ در غسل همینطور، در تیمم هم همینطور، یا اینکه قاعده تجاوز در این طهارات ثلاث جریان ندارد. اجماع قائم شده در اینکه قاعده تجاوز در باب وضو جریان ندارد. و فقهاء به این مورد اجماع غسل و تیمم را هم الحاق کرده اند.

کسانی مثل مرحوم نائینی که قائل بودند به اینکه قاعده تجاوز اختصاص به باب صلاة دارد، روی مبنای ایشان، اگر ما گفتیم از روایات باب تجاوز فقط ارجاع قاعده تجاوز را نسبت به باب صلاة می‌فهمیم، این بحث خیلی روشن است. کما اینکه مرحوم نائینی این ادعا را دارد نتیجه این می‌شود که عدم اجراء تجاوز در وضو و غسل و تیمم و سایر موارد این تخصصاً خارج است یعنی از اول قاعده تجاوز شامل اینها هم نمی‌شده از اول قاعده تجاوز یک امر تعبدی خاص بوده مربوط به باب صلاة است.

اما اگر گفتیم که قاعده تجاوز عمومیت دارد، کما اینکه ما هم همین را اثبات کردیم آن وقت اگر بخواهیم بیاوریم در وضو، غسل و تیمم جریان ندارد، این دیگر از باب تخصیص می‌شود. روی مبنای نائینی از باب تخصیص است، اما روی این مبنا از باب تخصیص است. مجموعاً برای اینکه بگوییم قاعده تجاوز در وضو جریان ندارد، حالا تا برسیم به غسل و تیمم. مجموعاً سه دلیل کلمات فقهاء استفاده می‌شود.

دلیل اول

دلیل اول همین اجماع است. اجماع قائم شده بر اینکه قاعده تجاوز در وضو جریان ندارد. فتوای همه فقهاء بر این است اگر کسی، غسل یدین انجام می‌دهد، شک کرد که آیا صورت را شسته یا نه؟ باید دو مرتبه صورت را بشوید. در حال مسح هست، شک می‌کند آیا غسل یدین انجام داد یا نه؟ باز باید انجام بدهد. اجماع قائم بر این معنا است. فتوای همه فقهاء هم، حاکی از همین اتفاق و اجماع است. و از مواردی که اجماع بصورت مستفیض نقل شده، در همین مورد مکرراً فقهاء این اجماع را نقل کرده اند.

دلیل دوم

دلیل دوم صحیحہ زرارۃ است. کہ در صحیحہ زرارۃ این بود کہ **اذا كنت قاعدا في وضوءك و لم تدبر أغسلت زراعیك أم لا؟ فأعد علیهما**، وقتی هنوز در حالت وضو نشستی بلند نشدی بروی، شک کردی کہ آیا زراعینت را شستی یا نہ؟ فأعد علیهما، اعادہ کن. زراعین را دو مرتبہ بشوید. و بعد فرمودہ و **علي جميع ما شککت فيه أنك لم تغسله مما سمي الله تعالی**. آن مواردی را کہ خداوند واجب کردہ آن مواضعی را کہ خدا واجب کردہ.

اگر شک کردی شستی یا نہ؟ باید اعادہ کنی **ما دمت في حال الوضوء** ما دامی کہ در حال وضوء هستی. **فاذا قمت من الوضوء و فرغت منه** وقتی از حال وضو بلند شدی. **فارغ شدی و صرت في حالة اخري**، رفتی مشغول یک کار دیگری شدی. **في الصلاة أو غيرها فشککت في بعض ما سمي الله تعالی** **مما أوجب الله علیک لاشيء علیک** اگر از وضو بلند شدی رفتی در یک حال دیگری مشغول شدی بعد شک کردی کہ آیا از این مقدار واجب چیزی را انجام دادی یا کسر گذاشتی، این شک تو قابل اعتنا نیست و **لا شيء علیک**.

پس دلیل دوم بر این کہ قاعدہ تجاوز در وضوء جریان ندارد. همین روایت است. این روایت می‌تواند نسبت به آن عموماتی کہ از آن عمومات قاعدہ تجاوز را در جمیع اقوال در صلاة و در غیر صلاة استفاده کردیم بیاید مخصص او واقع بشود. این صحیحہ زرارۃ مخصص آن روایات است. البتہ این احتمال هست نمی‌شود بصورت قطعی ہم گفت احتمال وجود دارد کہ اجماعی ہم کہ مجمعی ادعا کردند و دارند، آن اجماع ہم مستند به همین صحیحہ زرارہ باشد و در نتیجہ دیگر ما دو تا دلیل نداشته باشیم آن اجماع می‌شود اجماع مدرکی.

اینجا **نکته مهمی** کہ باقی می‌ماند و باید شروع بکنیم در همین جا این است کہ بین این صحیحہ زرارۃ و موثقہ ابن ابی یعفرور تعارض وجود دارد. و **اذا تعارضتا تساقطا** وقتی تساقط کردند رجوع می‌کنیم به همان عمومات یعنی عمومات قاعدہ تجاوز و بیاییم بگویم کہ قاعدہ تجاوز ہم در باب وضو جریان دارد. موثقہ ابن ابی یعفرور را - قبلا ہم خواندیم - دو مرتبہ می‌خوانیم **اذا شککت في شيء من الوضوء** اگر در شیئی از وضو شک کردی. **في شيء يعني في جزء من اجزاء الوضوء و دخلت في غيره** در غیر آن شيء داخل شدی **فلیس شکک بشيء** شک تو قابل اطمینان نیست. **انما الشک اذا كنت في شيء لم تجزه شک** در آن شیئی است کہ از آن شيء تجاوز نکرد. اگر ضمیر **دخلت في غيره** را، ضمیر **غيره** را به شيء برگردانیم **اذا شککت في شيء من الوضوء يعني في جزء من اجزاء الوضوء و دخلت بر غير آن شيء**، یعنی در غیر آن جزء. الان شک می‌کنم در شستن صورت، داخل در شستن یدین شدم **فلیس شکک بشيء**. پس این روایت یعنی موثقہ ابن ابی یعفرور بنابراینکہ ضمیر به شيء برگردد.

با آن صحیحہ زرارہ تعارض پیدا می‌کند. و **اذا تعارضتا تساقطا**. آن وقت اجماع را ہم گفتیم احتمال دارد این اجماع مدرکی باشد، مدرک اجماع همین صحیحہ زرارہ باشد لذا اجماع برای ما یک دلیل اصیل نیست. بین صحیحہ زرارہ و موثقہ ابن ابی یعفرور تعارض بوجود می‌آید **اذا تعارضتا تساقطا**.

قاعدہ اولی ہم بگویم در باب تعارض تساقط است، وقتی ہم تساقط شد، رجوع بکنیم به عمومات روایات تجاوز و بگویم تجاوز و قاعدہ تجاوز در وضو جریان دارد. اینجا برای اینکه تحقیق بر این مطلب کاملا روشن بشود باید کلام مرحوم شیخ در کتاب رسائل را مفصلا نقل بکنیم. کلام شیخ را تحلیل بکنیم و بعد ببینیم غیر از کلام شیخ آیا مطلب دیگری وجود دارد یا نہ؟ بالاخرہ اگر بخواهیم بگویم کہ قاعدہ تجاوز در وضو جریان ندارد، باید این تعارض را ما حل بکنیم، اگر کسی بتواند این تعارض را حل بکند. صحیحہ زرارہ می‌گوید تا مادامیکہ در حال وضو نشستی در هر جزئی از اجزاء وضوء اگر شک کردی **اعد**.

موثقہ ابن ابی یعفرور می‌گوید نہ. اگر در یک جزئی شک کردی داخل در جزء دیگر شدی ولو در همین حال وضو هستی این

شکست قابل اعتنا نیست. اگر این تعارض را بتوانیم حل کنیم. نتیجه می‌گیریم که پس باب تجاوز در باب وضو جریان ندارد.

اما اگر نتوانیم حل کنیم باید به همان عمومات رجوع کنیم. مرحوم شیخ در کتاب رسائل چاپهای قدیم که حاشیه عبدالرحیم هم بر آن هست در صفحه 412، آنجا اول فرمودند ما از این موثقه ابن ابی یغفور یک قاعده کلی استفاده می‌کنیم. که در این موثقه این قاعده کلی را نسبت به وضو تطبیق داده است. و آن همین است که اگر از یک جزئی تجاوز کردیم وارد جزء دیگر شدیم و شک کردیم، به این شک اعتناء نشود. و مادامی که وارد جزء دیگر نشدیم باید به این شک اعتنا شود. و فرموده است که ما باشیم و این موثقه ابن ابی یغفور این قاعده تطبیق داده شده بر وضو، یعنی آن قاعده کلیه. و این طور نیست که بگوییم در وضوء یک حکم تعبدی صرف داریم.

توضیح بیشتر را عرض کنیم. می‌فرماید که وقتی ما مجموع موثقه ابن ابی یغفور را نگاه می‌کنیم. صدرأ و ذیلاً، در ذیلش می‌گوید **انما الشک اذا كنت في شيء لم تجزه**. از این استفاده می‌کنیم که: مادامی که از یک شیئی فارغ نشدیم اگر شک کردیم باید به آن شک اعتنا کنیم.

بعبارة اخري با توجه به این ذیل استفاده می‌شود شک در اثناء عمل مادامی که انسان فارغ نشده، این باید بهش اعتنا بکند. مگر اینکه از یک جزئی به جزء دیگر داخل شده باشد. آن وقت بعد مرحوم شیخ می‌گویند حالا ما باشیم و موثقه، در باب وضو هم می‌گوییم اگر از یک جزئی به جزء دیگر داخل شدیم و شک کردیم، این شک قابل اعتنا نیست. فرموده است که اگر ما باشیم و موثقه این است. اما هم اجماع داریم بر این که در باب وضوء اگر از یک جزئی به جزء دیگر داخل شدیم به شکمان باید اعتنا کنیم. و هم صحیح زرارۀ جلوی ما قرار دارد. چه کنیم؟

اینجا شیخ بعد از اینکه بیان اشکال را اینطوری ذکر کردند. فرمودند ما در باب وضوء یک حرف دیگری بزنیم بگوییم وضو کلش یک عمل واحد است. وضو مثل نماز نیست که دارای اجزاء مستقلة باشد. شما در نماز چطور می‌گویید رکوع یک عمل است، سجده یک عمل است، فاتحة الكتاب یک عمل است، اما در باب وضو ما باید بگوییم وضو کلش یک عمل است؟

آن وقت این تجاوز از وضو، دیگر معنا ندارد. اگر کسی از شستن صورت آمده سراغ شستن یدین تجاوز واقع نشده، وقتی می‌گوییم وضو تمام اجزائش به عنوان یک عمل واحد است تجاوز یعنی تجاوز از وضو. دیگر تجاوز از غسل وجه و غسل یدین معنا ندارد.

عرض می‌کنم که دلیلی که مرحوم شیخ آورده فرموده است که ما در وضوء می‌آییم می‌گوییم تمام اینها مقدمه است برای یک اثر باطنی بنام طهارت. چون اثر، اثر واحد است، مسبب اگر واحد شد سبب هم باید واحد باشد. در آنجایی که مسبب واحد است، سبب نمی‌تواند اسباب متعدده باشد، باید آنجا هم سبب واحد باشد. وضوء یک اثر دارد و آن طهارت است، حالا که دارای اثر واحد است پس می‌گوییم شارع این وضو را یک فعل، یک شیء اعتبار کرده است. آن وقت تجاوز، یعنی تجاوز از کل وضو. دیگر معنا ندارد که بیاوریم بگوییم از شستن صورت تجاوز کرده، رفته سراغ شستن ید از شستن ید تجاوز کرده رفته سراغ مسح.

بعبارة اخري در باب صلاة برخي از فقها گفته اند قرائت کلش جزء واحد است. اما دیگر آیه، در اینجا که بگوییم هر آیه‌ای خودش عنوان یک جزء مستقل را دارد. در باب قرائت این طور نیست، یا هر کلمه‌ای را بگوییم جزء مستقل است. الان دارم الصّمد می‌گویم، شک می‌کنم الله را گفتیم یا نه؟ این بحث ان شاء الله می‌آید که آیا قاعده تجاوز در جزء الجزء هم جریان دارد یا نه؟ مشهور و عده کثیری گفتند جریان ندارد.

آنوقت نتیجه این می‌شود چطور شارع کل قرائت را یک جزء واحد مستقل در نظر گرفت، در باب وضو هم همینطور است کل

وضو را به عنوان یک شیء واحد اعتبار کرده. دیگر اینطور نیست که بگوییم شارع هر جزئی از اجزاء وضو را استقلالی لحاظ کرده، نه. استقلال فقط در باب صلاة است. آنها مثل اجزاء قرائت، تکبیر، رکوع، سجده، نتیجه چه می‌شود؟ نتیجه این است که پس در باب وضو هم چون شارع کل وضو را شیء واحد در نظر گرفته، تا مادامی که داخل در وضو هست هنوز تجاوز از محل نشده است. تجاوز از محل بعد از آنیست که وضو تمام بشود. این بیان را مرحوم شیخ دارند. مرحوم محقق عراقی در کتاب **نهاية الافکار** در جلد 4، صفحه 49، چاپ جامعه مدرسین، چاپ اخیر، دو اشکال بر مرحوم شیخ وارد کردند.

اشکال اول محقق عراقی به مرحوم شیخ

اشکال اول این است که شما که می‌گویید شارع آمده وضو را به منزله شیء واحد در نظر گرفته این با ظاهر موثق سازگاری ندارد. در صدر موثق ابن ابی یغفور دارد **اذا شککت فی شیء من الوضوء این فی شیء من الوضوء** «من» من تبعیضیه است. **فی شیء یعنی فی جزء من اجزاء الوضوء و دخلت فی غیره** در غیر آن شیء داخل شدی. پس موثق ابن ابی یغفور اجزاء وضو را هم مثل اجزاء نماز در نظر گرفته. این اشکال اول.

اشکال دوم محقق عراقی به مرحوم شیخ

اشکال دوم این است که، این که شما می‌گویید اثر وضو، اثر واحد است جایی که اثر، اثر واحد است، مسبب واحد است باید سبب هم واحد باشد، در کثیری از عبادات اینطور است. در اشکال دوم مرحوم عراقی فرمایش شیخ را به کثیری از عبادات نقض کرده. ما می‌گوییم نماز یک اثر واحد دارد **تنهی عن الفحشاء والمنکر**، روزه یک اثر دارد - اگر بگوییم روزه مرکب است - حج یک اثر دارد، آن هم ذکر الله است. بنابراین در کثیری از عبادات اثر وارد است. معذک ما نمی‌توانیم بگوییم سبب هم واحد است. این دو اشکال را مرحوم عراقی به مرحوم شیخ وارد کرده، و تلامذه مرحوم عراقی مثل مرحوم محقق بجنوردی در کتاب **قواعد فقهیه اشکالات** استادشان را پذیرفتند، اما در برخی از کلمات، بعضی از بزرگان در مقام جواب از مرحوم محقق عراقی بر آمدند. ببینیم آیا این جواب جواب درستی است یا نه؟

جواب از اشکال اول

اما جواب از اشکال اول، مرحوم عراقی فرموده اند که آنچه که مقصود شیخ هست این نیست که بگوید وضو مرکب نیست. مقصود شیخ این است که شارع برای این وضوی مرکب یک وحدت اعتباری قائل شده است. اصلاً وحدت اعتباری فرع بر این است که به حسب ظاهر مرکب باشد، یعنی یک چیزی که به حسب ظاهر مرکب است، دارای اجزائی است. این اجزاء به حسب ظاهر هر کدام جدای از یکدیگرند. اینجا شارع می‌تواند یک وحدتی را اعتبار بکند.

وحدت اعتباری بشود. اما آنجا که یک چیزی خودش هم مرکب نیست، آنجا نیازی به وحدت اعتباری نداریم. اینکه شما اراده فرمودید در موثق ابن ابی یغفور فرض را بر این گذاشتیم که وضو دارای اجزاء متعدد است **اذا شککت فی شیء من الوضوء** وضو جزء دارد، باید مرکب باشد، با حرف شیخ هم منافات ندارد. شیخ می‌فرماید این مرکب را شارع آمده وحدت اعتباری برایش کرده. این جواب، جواب از مرحوم عراقی نیست. چرا؟ برای اینکه بحث در این نیست که نسبت به این خارج بین شیء و عراقی اختلاف باشد. از شیخ پرسیم که وضو در خارج مرکب است یا نه؟ می‌گوید بله مرکب است. از عراقی پرسیم که وضو

در خارج مرکب است یا نه؟ می‌گوید بله مرکب است.

بحث در این نیست، بحث در این است که شیخ ادعا فرموده که بر اجزاء وضوء، لحاظ استقلالی نشده. لحاظ استقلالی یعنی بیايند یک جزئي را مستقلاً در نظر بگیرند، یک حکمی را شارع برایش ذکر نکند، غیر از مجموعه وضوء، شیخ هم چنین ادعایی را دارد. شیخ می‌فرماید شارع همه وضوء را یک چیز در نظر می‌گیرد و برای مجموعه وضوء، یک حکم قائل شده است. اینجا اشکال عراقی وارد است.

می‌گوید در این صدر موثقه ابن ابی یغفور دارد **اذا شککت فی شيء من الوضوء و دخلت فی غیره فشکک لیس بشيء**. یعنی این که در صدر موثقه شارع یک حکمی را برای یک جزء مشکوک از وضوء بیان کرده. این دلیل روشن بر این است که همان طوری که شارع در باب نماز، اجزاء نماز را لحاظ استقلالی کرده. در باب وضوء هم اجزاء وضوء را لحاظ استقلالی کرده. و شارع برایش حکم کرده. پس ملاحظه فرمودید که جواب از اشکال اول عراقی جواب درستی نیست.

جواب از اشکال دوم

اما جواب دوم مرحوم عراقی، نقض کردند گفتند به شیخ که شما که می‌گویید وضوء یک اثر واحد بنام طهارت دارد. ما می‌آییم به کثیری از عبادات نقض می‌کنیم. خود نماز هم همینطور است. نماز یک اثر دارد بنام نهي از فحشاء و منکر. پس آنجا هم باید همین حرف را بزنید. جوابی که از این نقض عراقی داده شده این است که بین این اثر و آن اثر فرق وجود دارد. ما دو جور اثر داریم، یک اثر، اثر شرعی است. که از اثر شرعی تعبیر به اثر جعلی می‌کنیم.

و یک اثر، اثر تکوینی است. اثر در باب وضوء شرعی است. یعنی شارع آمده این غسل و مسح را برای یک اثری بنام طهارت، سبب قرار داده. اما اثر در باب نماز یعنی تنهي همین فحشاء و المنکر این اثر تکمیلی نماز است، این نماز از آثار وضعی است. از آثار تکوینی و خارجی او مسئله نهي از فحشاء و منکر است. و نکته‌ای که وجود دارد. بفرمایید بین این اثر که عنوان اثر شرعی است یا اثر جعلی و آن اثر که عنوان اثر تکوینی است، فرق دیگری هم وجود دارد؟ می‌گویند بله.

فرقش این است که در اثر شرعی نسبت اثر به مؤثر نسبت مسبب به سبب است. رابطه شان می‌شود رابطه سبب و مسبب. شارع این را سبب برای طهارت قرار داده. اما در باب اثر تکوینی آنجا مسئله سبب و مسبب در کار نیست، نسبتشان عنوان سبب و مسبب را ندارد. به نظر می‌رسد که این جواب دوم هم یک تکلفی بیش نیست. یعنی اولاً در عبارات شیخ هیچ فرق بین اثر جعلی یعنی اثر شرعی و اثر تکوینی وجود ندارد. مرحوم عراقی می‌گوید شما دارید در عبارات می‌فرمایید وضوء یک اثر دارد پس باید خودش هم یک چیز باشد. همین کلام بعینه در نماز هم می‌آید، در عبارات شیخ قرینه‌ای بر اینکه مراد از این اثر خصوص اثر شرعی وضعی است ما نداریم، که شیخ باید بگوید این فقط در آنجایی که سبب و مسبب و سببیت شرعیه است، مطرح است. اما آنجایی که سببیت تکوینی است این مطرح نیست این اولاً.

ثانیاً حالا اگر فرض کنیم شیخ هم این حرف را زده باشد. اشکال به مرحوم شیخ وارد است که شما چرا بین اثر شرعی و اثر تکوینی فرق می‌گذارید. بالاخره، در اثر تکوینی هم ما طبق همین قاعده الواحد لا یصدر الا من الواحد. آنجا هم باید بگوییم مسبب اگر واحد شد سبب واحد است. چطور می‌توانیم بین اثر شرعی و اثر تکوینی این فرق را بگذاریم، بگوییم آقا در اثر شرعی سبب یکی است اما در اثر تکوینی سبب یکی نیست. و اساساً مرحوم عراقی در اشکال دوم می‌خواهد به شیخ بفرماید این دلیلی که شما آوردید دلیل نیست، شما باید یک دلیلی بیاورید. ادعای شیخ چیست؟

ادعای شیخ این است که شارع وضو را تماماً یک چیز فرض کرده، یک ادعای شیخ این است. این دلیل که شیخ بفرماید اثرش واحد است این دلیلیت ندارد و در نتیجه این ادعا یک دعوی بالادلیل است. بنظر ما این اشکالات مرحوم عراقی بر مرحوم شیخ وارد است نتیجه این می‌شود تا بحال سه تا دلیل ذکر شد بر اینکه قاعده تجاوز در وضو جریان ندارد.

یکی اجماع، یکی صحیحہ زرارة، یکی هم همین بیان شیخ، که در باب وضو، وضو کلش شیء واحد است. که این دلیل سوم ملاحظه کردید مخدوش است. منتها هنوز مسئله تعارض بین صحیحہ زرارة و موثقہ ابن ابی یعفر بر طرف نشد. اگر این بیان شیخ تام بود که وضو کل شیء واحد است تعارض بین صحیحہ زرارة و موثقہ ابن ابی یعفر برطرف می‌شد. اما چون این بیان، بیان غیر صحیحی است یعنی اشکال دارد، لذا هنوز باید ببینیم که بالاخره این تعارض را ما چگونه حل بکنیم. فردا إن شاء الله.